

فقها به فردی که از تصرف در اموال خود محروم است، اطلاق می‌شود.^۲ بر پایه فقه امامی، محجوران عبارتند از: «کودکان^۳، افراد ورشکسته (مفلس^۴)، سفیهان^۵، دیوانگان^۶ و بردگان^۷».

از آن‌جا که حج کودکان در مدخلی مستقل بررسی شده است و بر مفلس، به جهت فقدان استطاعت مالی، حج واجب نیست، در این مقاله تنها احکام حج سه گروه دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

◀ **حج سفیه:** سفیه، معادل غیر رشید در لغت، به کم‌خرد، نادان و افراد سبک‌سر گفته شده است.^۸ قرآن افراد روی‌گردان از مناسک حج ابراهیم عليه السلام را سفیه نامیده است: «وَمَنْ يُرْعَبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» (بقره ۱۳۰/۲). سفیه در اصطلاح کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود،

جعفر خلیلی، بیروت، الاعلامی، ۱۴۰۷ق؛ موسوعة مرآة الحرمين الشریفین: ایوب صبری باشا (م. ۱۲۹۰ق.)، القاهرة، دار الأفاق العربیه، ۱۴۲۴ق؛ میراث اسپانیای مسلمان: سلمی خضراء جیوسی، ترجمه اکبری و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ش؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة: ابن تغری بردی الاتابکی (م. ۸۷۴ق.)، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، الهيئة المصرية العامة، ۱۳۹۱ق؛ نهج البلاغه: شریف الرضی (م. ۴۰۶ق.)، شرح صبحی صالح، قم، دار الاسوه، ۱۴۱۵ق؛ هداية الحجاج: محمدرضا طباطبایی تبریزی، به کوشش جعفریان، قم، مورخ ۱۳۸۶ش؛ وفيات الاعیان وانباء ابناء الزمان ممتا ثبت بالنقل او السماع او اثبته العیان: احمد بن محمد بن خلکان (م. ۶۸۱ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.

علی احمدی میرآقا



حج مجنون ← حج محجوران

حج محجوران: انجام حج توسط افراد ناتوان از تصرف در اموالشان

محجور از ماده «ح-ج-ر» که در لغت به معنای «منع» است، گرفته شده^۱ و در اصطلاح

۱. العین، ج ۳، ص ۷۴-۷۵؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۵۹، «حجر».

۲. مصطلحات الفقه، ص ۴۷۷.
 ۳. تذکرة الفقهاء، ج ۱۴، ص ۱۸۵؛ المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲۸۲.
 ۴. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲۸۱.
 ۵. مبانی العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۶.
 ۶. جامع المدارک، ج ۳، ص ۴۴۶؛ تذکرة الفقهاء، ج ۱۰، ص ۱۲-۱۳؛ غایة الآمال، ج ۲، ص ۳۲۸.
 ۷. کنز العرفان، ج ۲، ص ۱۱۱.
 ۸. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۹۷-۴۹۸؛ العین، ج ۴، ص ۹، «سفه».

عقلایی نباشد و منظور از عقل، حد متعارف است.^۱ واژه غیر رشید با سفیه مترادف است. در فقه، سفیه به معنای کسی دانسته شده است که اموال خود را در غیر اغراض صحیح (عقلایی) صرف می‌کند؛ حالتی در او وجود ندارد که مانع صرف اموالش در راه‌های غیر عقلانی گردد.^۲ تفاوت بین سفیه و مجنون آن است که مجنون فاقد قوه ادراک و تعقل بوده، ولی سفیه تا حدودی دارای قوه درک و تشخیص هست، اما نمی‌تواند اموال خود را به طور عاقلانه اداره کند.^۳ بنا بر فقه مالکی، دایره حجر، سفیه را در بر می‌گیرد^۴ و در فقه حنفی، تنها کودک و مجنون و دیوانه محجورند و نامی از سفیه برده نشده است.^۵ فقهای شیعه، به استناد آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام سفیه را محجور می‌دانند و برآنند که دایره حجر سفیه، همه تصرفات مالی را در بر می‌گیرد.^۶

حج گزاردن برای سفیه، مانند دیگر افراد،

دارای ارزش و ثواب است و عموماً تشویق به انجام مناسک حج و زیارت خانه خدا، سفیه را نیز در بر می‌گیرد و نیز عموم «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ» آل عمران/۳، ۹۷، حج را بر محجوران نیز، در صورت استطاعت، واجب می‌کند؛ جز آن که سفیه چون نمی‌تواند در اموال خود تصرف کند و تبذیر و اسراف می‌کند، ولی با وی همراه می‌شود یا کسی را با وی همراه می‌کنند تا بر مصرف اموال وی نظارت کند. مگر آن که کسی برای همراهی نیاید یا از حج گزار مطمئن باشد.^۷ اگر هزینه حج سفیه زائد بر هزینه حضور وی در وطنش باشد، همراه وی از مال سفیه مصرف می‌کند. برخلاف کودک و مجنون که زائد را باید از مال خود هزینه کند. هزینه همراه سفیه از شرایط استطاعت وی است و بدون آن مستطیع نمی‌شود. اگر سفیه پیش از محجور شدن وارد اعمال حج شود، ولی باید وی را در انجام آن کمک کند و نمی‌تواند مانع از سفر وی به مکه شود؛ زیرا با آغاز اعمال حج، بر وی واجب شده است.^۸

سفیه به شرط آن که هزینه سفر حج استحبابی بیش از هزینه اقامت وی در وطنش نباشد، می‌تواند به حج برود. در صورت

۱. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۸۱؛ ج ۲۶، ص ۵۸.

۲. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۱.

۱. ترمینولوژی حقوق، ص ۲۵۹.

۲. الروضة البهیة، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۰۹.

۳. دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱، ص ۶۵.

۴. بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۲۲۶.

۵. بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۱۶۹؛ الاختیار لتعلیل المختار، ج ۲،

ص ۹۴.

۶. الخلاف، ج ۳، ص ۲۸۶-۲۸۸؛ العناوین، ج ۲، ص ۶۸۶-۶۸۹؛

الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۴، ص ۴۸۵-۴۸۷.

و خردش کامل نباشد.^۸ دیوانگی نوعی بیماری روانی است که فرد مبتلا به آن، توانایی مدیریت و نظارت بر رفتار خود را ندارد. دیوانه دو گونه است: دائمی و ادواری و هر یک از آن‌ها دارای گونه‌هایی است. افراد عقب‌مانده ذهنی نیز به دیوانه ملحق شده‌اند.

در قصص عرب جاهلی از به حج بردن قیس دیوانه عامری به وسیله پدرش به قصد شفا به مکه و انجام مناسک حج حکایت دارد.^۹

دیوانگی از اسباب ثبوت حَجْر است؛ دیوانه از هر نوع تصرفی در دارایی‌اش ممنوع است و تصرفات مالی وی باید زیر نظر ولی و سرپرست وی انجام گیرد.^{۱۰} بخشی از اعمال حج دیوانه به تصرفات مالی وی پیوند دارد؛ بدین جهت این موضوع در حج محجورین جای داده شده است.

به اتفاق علما و به دلیل احادیث^{۱۱}، حج بر دیوانه واجب نیست.^{۱۲} عقل از شرایط صحت حج است و احرام مجنون صحیح نیست.^{۱۳} حج

افزایش هزینه سفر بر حضر، ولی می‌تواند او را از سفر حج بازدارد؛ مگر آن‌که سفیه هزینه‌های مازاد بر حضر خود را از راه کار و کسب در مسیر راه جبران کند^۱ و اگر سفیه وارد حج مستحبی گردد و حاکم وی را محجور کند، باید آن را به انجام رساند. ولی اگر هزینه سفر مازاد بر حضر باشد، ولی می‌تواند مانع از انجام آن گردد.^۲

نیابت سفیه صحیح است^۳؛ زیرا اطلاق ادله جواز نیابت از دیگری، مانند صحیحه معاویه بن عمار، سفیه را نیز دربرمی‌گیرد.^۴ ولی عقد اجاره بر نیابت، به دلیل تصرفات مالی، نیازمند به اجازه ولی است.^۵ برخی فقها نیابت کردن سفیه از دیگری را مجزی نمی‌دانند^۶ و برخی در نیابت کردن سفیه از دیگری توقف کرده‌اند.^۷

◀ حج دیوانه: دیوانه کسی است که عقل

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۱۴، ص ۲۳۶-۲۳۷؛ مسالک الافهام، ج ۴، ص ۱۶۳.
۲. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۱.
۳. تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۳۹۱.
۴. مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۱، ص ۶؛ موسوعه الامام خوئی، ج ۲۷، ص ۷.
۵. احکام الحج، فاضل، ج ۱، ص ۲۳.
۶. المسبوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲۸۶؛ آراء المراجع فی الحج، ج ۱، ص ۱۱۳.
۷. العروة الوثقی، ج ۵، ص ۱۲-۱۳.

۸. لسان العرب، ج ۱، ص ۷۰۳، «جنن»؛ المنجد، ص ۸۳۲، «نقص»؛ فرهنگ المحيط، ص ۶۴۱.
۹. الحيوان، ج ۷، ص ۴۷۸.
۱۰. جامع المدارک، ج ۳، ص ۳۶۲.
۱۱. وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۹۰.
۱۲. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۴.
۱۳. ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۸-۳۹؛ الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۰۷.

استحبابی مجنون نیز صحیح نیست.^۱ اگر مدت هوشیاری دیوانه ادواری، دوره حج با مقدمات آن را دربرنگیرد، حج بر وی واجب نمی‌شود.^۲ ولی اگر مدت زمان انجام حج و مقدماتش، با هوشیاری وی، همراه باشد، حج بر وی واجب است؛ زیرا شرایط حج در وی فراهم است.^۳ به اتفاق فقیهان، حج گزار هنگام احرام باید هوشیار باشد و هوشیاری پس از احرام، تأثیری در صحت حج ندارد.^۴ برخی از فقها روایات وارده در محوریت خرد برای ثواب و عقاب^۵ را از دلایل مکلف نبودن دیوانه شمرده‌اند.^۶ برخی از فقها برای مکلف نبودن دیوانه به اصل استصحاب استدلال کرده‌اند.^۷

برخی فقها قائلند حج دیوانه نیز مانند کودک درست است؛ زیرا وی از کودک فروتر نیست؛ که پاسخ داده شده قیاس دیوانه به کودک بی دلیل است.^۸

دیگر مذاهب اسلامی نیز، به استناد روایات و اجماع^۹، وجوب حج بر مجنون را به بازگشت هوشیاری و عقل او مشروط کرده‌اند.^{۱۰} حنفیان بر آنند محرم شدن دیوانه از حجة الاسلام مجزی نیست. احرام افراد بی‌هوش نیز پذیرفته نخواهد بود^{۱۱}، مگر این که در زمان هوشیاری نیت احرام را تجدید کند^{۱۲}؛ چراکه احرام اول وی الزام آور نبوده و احرام دوم، عمل وی را تصحیح می‌کند.^{۱۳} از دیدگاه فقهای دیگر مذاهب، احرام مجنون ادواری صحیح است. تنها شافعی، با استدلال به عدم شایستگی مجنون برای عبادت و نیز استناد به روایت رفع قلم از مجنون، احرام دیوانه را صحیح نمی‌داند. او افزون بر هنگام احرام، هوشیاری را هنگام مناسکی که محتاج قصدند، از جمله وقوف در عرفات و مشعر، طواف و سعی، شرط می‌داند.^{۱۴} برخی گفته‌اند احرام مجنون، مانند کودک غیر ممیز صحیح است. ولی بیهوش را نباید کسی محرم کند. درباره دیوانه ادواری نیز گفته‌اند در صورت

۹. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۸؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۴۴.
 ۱۰. فقه الإسلامی وادلته، ج ۳، ص ۴۱۰-۴۱۱.
 ۱۱. الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۱۹.
 ۱۲. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۸۳.
 ۱۳. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۳.
 ۱۴. المجموع، ج ۷، ص ۲۰.

۱. البناهیة الفقهیة، کتاب الحج، ص ۹-۱۰.
 ۲. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۳؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۴۵؛
 تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۱.
 ۳. مصباح الناسک، ج ۱، ص ۱۷.
 ۴. مصباح الهدی، ج ۱۱، ص ۲۴۴؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۱.
 ۵. الکافی، ج ۱، ص ۱۲-۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۸۱.
 ۶. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۲۲.
 ۷. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵-۱۶.
 ۸. ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۸.

بنا بر تصریح برخی، برای هر شخص مطمئن و امین واجد شرایط لازم، ثابت است. اگر دیوانگی پس از بلوغ عارض گردد، در این که پدر و جدّ پدری بر دیوانه ولایت دارند یا تنها حاکم شرع، اختلاف است.^۷

بیشتر فقهای گذشته و معاصر بر آنند اگر فرد، پس از استقرار حج، دیوانه شد، سرپرست وی نسبت به حج او تکلیفی ندارد.^۸ گفته شده، اگر کسی در میقات مجنون شد، همراهان می‌توانند وی را بسان کودک غیر ممیز رجائاً محرم کنند. اگر قبل از درک مشعر هوشیار شد، از حجة الاسلام کفایت می‌کند و احتیاط مستحب آن است که در سال‌های آینده نیز حجة الاسلام را به جای آورد.^۹

▼ عاقل شدن دیوانه پیش از مشعر: بنا بر مشروع بودن حج دیوانه، اگر او پیش از وقوف به مشعر عاقل شود، مشهور بلکه بیشتر فقیهان^{۱۰} بر آنند حج وی، صحیح است و از حجة الاسلام کفایت می‌کند.^{۱۱} بر این فتوا به

۷. جامع عباسی، ج ۲، ص ۲۷۰؛ رساله توضیح المسائل، فیاض، ص ۴۶۶.
 ۸. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۳۰۷.
 ۹. مناسک حج، ص ۲۲.
 ۱۰. الخدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۶۰.
 ۱۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۴۵؛ المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۹۷؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۲۴.

هوشیاری می‌توان وی را محرم کرد.^۱ به اجماع فقها بلکه به ضرورت مذهب، حج بر دیوانه با نذر نیز واجب نمی‌شود؛^۲ زیرا انعقاد نذر، مشروط به اختیار و قصد است که مجنون فاقد آن است.^۳ از نوشته‌های برخی فقها استفاده می‌شود نذر دیوانه، اعم از دیوانه کامل و ادواری، منعقد نمی‌شود.^۴ فقهای سایر مذاهب هم در انعقاد نذر بلوغ و عقل را شرط دانسته‌اند و نذر مجنون را صحیح نمی‌دانند.^۵ عروض جنون در اثنای مناسک: به اتفاق فقها، اگر شخصی در اثنای انجام مناسک دیوانه شد، تکلیف از وی ساقط است و نمی‌تواند برای او نایب بگیرند و اگر عاقل شد، حکم اشخاص دیگر را دارد و در صورت باقی بودن وقت، باید اعمال را به اتمام برساند.^۶

پدر و جدّ پدری بر دیوانه ولایت دارند. این ولایت با نبود آنان، برای وصی و با نبود وصی برای حاکم شرع و با نبود حاکم شرع،

۱. المجموع، ج ۷، ص ۲۰.
 ۲. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۰؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۸۸.
 ۳. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۹۶؛ الروضة البهیة، ج ۳، ص ۳۵.
 ۴. الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۵.
 ۵. مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۳۵۴.
 ۶. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۱.

عموم روایت «من ادرك المشعر فقد ادرك الحج» و روایات دیگر^۱ تمسک شده است. ^۲ افزون بر این که می‌توان از روایاتی که حج عبد را در صورت آزاد شدنش، پیش از وقوف، مجزی می‌داند الغای خصوصیت نمود و تحقق شرایط و جوب پیش از وقوف به مشعر را در کفایت از حجة الاسلام کافی دانست. البته به تصریح برخی، اجزای این حج از حجة الاسلام، مشروط به آن است که در باقیمانده مناسک، نیت و جوب کند.^۳

در مقابل برخی از فقها حج وی را از حجة الاسلام مجزی ندانسته و بر آنند، مجنون را نمی‌توان به مملوك قیاس کرد.^۴ برخی در مسئله، توقف و تردید کرده‌اند.^۵ به این دلیل که اعمال پیش از مشعر، از سر استحباب واقع شده است و مستحب، به واجب تبدیل نمی‌شود. علاوه بر این که لازمه این الغای خصوصیت آن است که حج شخص فاقد استطاعت، در صورتی که در مشعر مستطیع شود، از حجة الاسلام کفایت کند و حال

این که کسی بدان ملتزم نیست.^۶ هوشیار شدن دیوانه، پیش از وقوف به مشعر، نزد دیگر مذاهب اسلامی نیز از موجبات صحت و کفایت آن از حجة الاسلام است.^۷ البته حنفیان تجدید نیت یا احرام را شرط کفایت حج او از حجة الاسلام دانسته‌اند.^۸

در صورت اجزای حج برده آزاد شده در مشعر، برخی بر آنند که استطاعت از هنگام و جوب، و قبل از موقوفین، کفایت می‌کند؛^۹ زیرا نفقه مازاد و پیش از تکلیف برعهده ولی طفل است و نمی‌توان بر مازاد بر اموال وی تصرف کرد.^{۱۰}

به جا آوردن حج فوت شده در زمان دیوانگی، واجب نیست؛ مگر این که قبل از دیوانگی، حج بر فرد مستقر شده باشد که در این صورت، پس از عاقل شدن، واجب می‌شود.^{۱۱}

▼ احجاج مجنون در فقه امامی: به

تصریح برخی فقیهان امامی، محرم کردن دیوانه، مانند محرم کردن کودک و به تنقیح

۱. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۱-۲۲؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۱.

۲. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۱.

۳. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۲۵.

۴. مفاتیح الشرائع، ج ۱، ص ۲۹۶؛ حدائق الناظره، ج ۱۴، ص ۶۱.

۵. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۵؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۲۴.

۶. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۱.

۷. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۸.

۸. الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۱۷.

۹. سیری کامل در خارج فقه، کتاب الحج، ج ۱، ص ۱۴.

۱۰. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۲-۲۳.

۱۱. توضیح المناسک، ص ۴۸.

مناط دلیل آن مستحب است.^۱ برخی با انکار وجود دلیل بر استحباب به حج بردن مجنون، تشبیه مجنون به کودک را مصداق قیاس و باطل دانسته‌اند.^۲ بنا بر مشروعیّت احجاج دیوانه، حج دادن وی به قصد رجاء مطلوبیت اشکال ندارد.^۳

در صورت جواز احجاج مجنون، وی به اندازه توانایی در انجام مناسک، گرچه با تلقین و راهنمایی، کارها را انجام می‌دهد و در صورت ناتوانی، سرپرست وی به جایش انجام می‌دهد. احرام دیوانه و عاقل یکسان است. عقد احرام به نیت و تلبیه یا اشعار و تقلید بسته می‌شود.^۴ دیوانه محرم می‌شود. دیوانه خود تلبیه به زبان می‌آورد و سرپرستش او را طواف می‌دهد.^۵ اگر دیوانه توانایی رمی داشت، رمی می‌کند؛ وگرنه ولی او به جایش ریگ پرتاب می‌کند. سرپرست، مجنون را از کارهای ناروا دور می‌دارد. اگر هنگام طواف و سعی مجنون سواره است، سرپرست باید جلودار یا هدایت

کننده مرکب باشد؛ زیرا مجنون بدون قصد حرکت می‌کند.^۶ به وقت انجام نماز طواف، اگر دیوانه هوشیار بود، خود نماز طواف را به جای می‌آورد؛ وگرنه ولی از وی نیابت می‌کند.^۷ سرپرست در وقت وقوفین با مجنون همراهی می‌کند و از سوی وی نیت می‌کند.^۸ برخی فقها قائلند اگر ولی، دیوانه را به حج ببرد و وی پیش از وقوف در مشعر هوشیار شود، می‌تواند از مال وی هزینه کند و اگر هوشیار نشد، باید هزینه را از مال خود بپردازد.^۹

▼ احجاج مجنون در دیگر مذاهب:

شافعیان^{۱۰} و مالکیان و حنبلیان، به استناد روایات^{۱۱}، بر آنند حج بر دیوانه واجب نیست. ولی انجامش برای او صحیح است. سرپرست دیوانه می‌تواند وی را مانند کودک محرم کند. احرام به جنون یا بی‌هوشی باطل نمی‌شود. ولی مجنون در مواقع حاضر شده و تا جایی که دیوانه خود بتواند، انجام می‌دهد؛ وگرنه ولی به جای او مناسک را انجام می‌دهد.^{۱۲}

۶. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۳۰۷؛ جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۹۲.
 ۷. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۹؛ النهایة، ص ۲۱۶؛
 المعتمر، ج ۲، ص ۸۰۴.
 ۸. جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۹۲.
 ۹. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۳۰۹.
 ۱۰. المجموع، ج ۷، ص ۱۷-۲۰؛ مغنی المحتاج، ج ۳، ص ۲۲۴.
 ۱۱. نیل الاوطار، ج ۵، ص ۲۹۷.
 ۱۲. فقه الاسلامی وادلتہ، ج ۳، ص ۴۱۰-۴۱۱.

۱. المعتمر، ج ۲، ص ۷۴۸؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۴؛ تذکرة
 الفقهاء، ج ۷، ص ۴۱.
 ۲. حقائق الناضرہ، ج ۱۴، ص ۶۵؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۸؛
 جامع المدارک، ج ۱، ص ۲۵۸.
 ۳. مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۱۹-۲۱؛ مناسک حج
 محشی، ص ۲۳.
 ۴. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶.
 ۵. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۱.

▼ **کفاره دیوانه:** اگر دیوانه در حال احرام، یکی از محرمات احرام را - به جز شکار - مرتکب گردد، به استناد احادیث، کفاره ندارد.^۱ ولی کفاره شکار بر او واجب است؛^۲ مگر آن که وجوب کفاره را از باب ضمان بگیریم به اتفاق علما اگر ولی، دیوانه را به حج برد و کفاره‌ای بوی واجب گردد، باید از سوی وی بپردازد؛^۳ زیرا دیوانه محجور است و نمی‌تواند در اموال خود تصرف کند.^۴ از شافعی درباره محرمی که پس از احرام دیوانه شود و شکار کند و سر بتراشد، دو قول نقل شده است: ضمان و عدم ضمان.^۵

▼ **نیابت دیوانه:** فقها، به استناد اجماع^۶، بر آنند که نیابت دیوانه از دیگری صحیح نیست.^۷ بیشتر فقها دیوانه را مقید به دائمی کرده و گفته‌اند دیوانه ادواری نیز در زمان بیماری نمی‌تواند نیابت کسی در حج را برعهده گیرد. بر این مسئله ادعای اجماع محقق و منقول شده است و استدلال آورده

شده است که قصد نیابت، از شرایط اصلی آن است و دیوانه نمی‌تواند قصد کند. دیوانه دائمی^۸ و دیوانه ادواری، در وقت وقوع جنون، نمی‌تواند از دیگری برای حج نایب شود. ولی نیابت سفیه درست است.^۹

از شرایط ذبح یا نحر قربانی در مناسک، عاقل بودن ذبح یا نحر کننده است. از این رو ذبح یا نحر حیوان توسط دیوانه صحیح نیست.^{۱۰}

▼ **نیابت از دیوانه:** عموم فقها بر آنند نیابت از دیوانه جایز است، بلکه در مورد دیوانه گهگاهی (ادواری) اگر در حال سلامت روانی حج بر او واجب شده و می‌توانسته انجام دهد، اما انجام نداده، باید پس از مرگش برای او نایب بگیرند. گفته شده نیابت از کودک و دیوانه‌ای که حج بر آنان مستقر نشده، خالی از اشکال نیست.^{۱۱} در شرح آن گفته شده که نایب، همان کاری که بر اصیل و منوب عنه شایسته است، انجام می‌دهد و اگر فرمانی متوجه وی نباشد، موضوع نیابت منتفی است و حج بر دیوانه و کودک غیر ممیز نه

۱. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۳۵؛ ج ۲۰، ص ۴۴۰.

۲. الخلاف، ج ۲، ص ۴۴۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۶۴.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۳۵؛ ج ۲۰، ص ۴۴۰.

۴. جامع المدارک، ج ۳، ص ۴۴۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۱۰، ص ۱۲-۱۳؛

غایة الآمال، ج ۲، ص ۳۲۸.

۵. الخلاف، ج ۲، ص ۴۴۸.

۶. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰۸؛ مناسک جامع حج، ص ۶۳.

۷. الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۲۰.

۸. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۲؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۶۴؛

الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۲۰.

۹. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۹۱.

۱۰. فقه الإسلامی وادلته، ج ۳، ص ۴۱۰-۴۱۱.

۱۱. مناسک جامع حج، ص ۶۳.

اگر محرم پس از احرام دیوانه شود، برخی از فقها بر آنند که استنابه از وی لازم نیست و کفایت نیز نمی‌کند و بر حال احرام باقی است و بیشتر بر آنند که حج و احرام وی باطل است و در حال احرام باقی نیست.^۷ اگر حج گزار، پس از انجام عمره تمتع، دیوانه شود حج بر وی واجب نیست و تکلیفی ندارد و اگر پس از استقرار حج دیوانه شود، بیشتر فقها گفته‌اند در صورت ناامیدی از بهبودی، باید ولی وی برایش احتیاطاً حج نیایی انجام دهد و برخی گفته‌اند در زنده بودن، تکلیفی ندارد و پس از مرگ، برای وی حج نیایی انجام گیرد و نیز گفته شده، ولی وی درباره‌اش تکلیف ندارد. در صورت افاقه خود به حج می‌رود و پس از مرگ برایش قضا می‌کنند.^۸

◀ **حج بردگان:** «عبد» یا «رق»، در ادبیات عرب، به معنای بنده^۹ و برده است. برده یا غلام مردی است که از خود اختیاری نداشته و دیگری، به وسیله خرید یا هبه و ارث دیگری، وی را در اختیار گرفته باشد. به زن برده «آمه» و «جاریه» و در فارسی به او «کنیز» نیز گفته می‌شود.

پیش از اسلام بردگی در جوامع بشری و

واجب است و نه مستحب. بلکه اگر در وقت هوشیاری حج بر وی مستقر گشته و پس از آن جنون بر وی عارض شده، دیگری می‌تواند از وی نیابت کند.^۱

◀ **حج بی هوش:** فقهای امامی^۲ و اهل سنت^۳ عموماً افراد بی هوش را به مجنون ملحق کرده و او را فاقد تکلیف دانسته‌اند. در نظر شافعیان، ولی می‌تواند دیوانه را محرم کند. ولی از طرف فرد بی هوش یا افراد غشی نمی‌تواند محرم گرداند؛ چراکه وی مانند بیمار است و چه بسا بهبود یابد. مالک، ابویوسف و داوود بر این نظریه‌اند. ابوحنیفه بر آن است که از باب استحسان و قیاس فرد بی هوش به کودک، می‌توان وی را محرم کرد.^۴

◀ **عقب مانده ذهنی:** افراد عقب مانده ذهنی نیز، در صورتی که به کارهای خود هوشیار نباشند، در حکم دیوانه‌اند و حج بر آنان واجب نیست.^۵ همچنین گفته شده افراد کر و لال که نمی‌توانند اعمال را از روی قصد و اراده به انجام رسانند، محرم نکنند.^۶

۱. فقه الامام جعفر الصادق، ج ۲، ص ۱۳۹.

۲. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۴۱؛ مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۵۹.

۳. المعنی، ج ۳، ص ۴۳۴؛ معنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۹۸.

۴. المجموع، ج ۷، ص ۲۰.

۵. استفتانات امام خمینی، ج ۱، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۶. مناسک جامع حج، ص ۴۰.

۷. مناسک حج، ص ۲۳.

۸. مناسک حج، ص ۲۴.

۹. المصباح المنیر، ج ۱، ص ۲۳۵.

عرب جاهلی وجود داشت. ولی اسلام با یک برنامه درازمدت، به حذف برده و برده‌داری از جامعه اسلامی پرداخت؛ برای مثال برای آزاد کردن برده ثواب‌های فراوان قرار داد^۱ و نیز کفاره برخی گناهان را آزاد کردن برده گذاشت.^۲

از جمله احکام مربوط به مملوک، به حج رفتن برده مسلمان است. مناسک حج برای همه مسلمانان دارای ثواب و ارزش است و این نعمت معنوی، همه بندگان خدا را دربرمی‌گیرد. به حج بردن برده کاری پسندیده و دارای ثواب است و اهل بیت بدان سفارش کرده‌اند.^۳ در فتاوی فقها، به حج رفتن مملوک، با اجازه مولی مستحب شمرده شده است.^۴ به خبر موثق، در صورت آزاد کردن بنده پیش از میقات، مولی به دو ثواب عتق و ثواب حج می‌رسد.^۵ فقها، به استناد روایت موسی بن جعفر، به حج بردن کنیزان و بردگان و مشاهده مناسک از سوی آنان را برتر از باقی گذاشتن آنان در مکه دانسته‌اند.^۶ در صدر

اسلام مسلمانان، بردگان خود را با خود به حج برده و آنان نیز مناسک حج را به جای می‌آورده‌اند.

در دیدگاه فقهای امامی، انعقاد احرام مملوک و صحت آن، به اجازه مالک بستگی دارد. مهم‌ترین دلیل در این باره، افزون بر آیه ۷۵ نحل/۱۶، اجماع فقها و روایات وارده است.^۷ برخی از فقها گفته‌اند: دلیلی بر مشروط بودن صحت حج مملوک به اذن مولی در دست نیست؛ چه بنده بدون تصرف در اموال مولا و بدون تعارض با حقوق او نیز می‌تواند حج انجام دهد؛ مانند آن‌جا که مولی سفارش کند مملوک وی، با فردی حج گزار، همراهی کند.^۸ در صورت وجوب اذن مولی برای سفر حج، کنیز شوهردار باید افزون بر اذن مولی اجازه همسرش را نیز کسب کند.^۹

فقها به استناد آیه کریمه «عَبْدًا مَّملُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ» نحل/۱۶، ۷۵ مملوک یا برده را از محجورین شمرده‌اند.^{۱۰} همچنین به اتفاق فقهای امامی^{۱۱} و به تصریح شماری از اهل

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۷۸.

۲. المقنع، ص ۱۹۲.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۱۴۷.

۴. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۳.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۱؛ المحاسن، ج ۱، ص ۶۶.

۶. ذخیره المعاد، ص ۵۵۷.

۷. الخلاف، ج ۲، ص ۳۸۰؛ جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۵۹.

۸. جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۶۰.

۹. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۵.

۱۰. زبدة البیان، ص ۴۹۱؛ کنز العرفان، ج ۲، ص ۱۱۱.

۱۱. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۴۱.

العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۳.

فقها و روایات است.^۹ معدودی از فقهای امامی اشتراط اذن مولا در صحت حج مملوک را تنها در مواردی که ادای حج با حقوق مولا در تعارض باشد، پذیرفته‌اند و در غیر آن، مانند آن‌جا که مولی سفارش کند مملوک وی با فردی حج گزار همراهی کند. شرط بودن اذن مولا را قبول ندارند.^{۱۰} برخی حنابله، حج بنده بدون اجازه مولا را نیز صحیح می‌دانند.^{۱۱}

فقهای امامی، به استناد روایات^{۱۲}، بر آنند چنانچه مملوک حج گزار، پیش از وقوف در مشعر، آزاد گردد، حج او از حجة الاسلام کفایت می‌کند.^{۱۳} البته به تصریح برخی، این اجزاء در صورتی است که حجی که به جا آورده، با وظیفه او در حجة الاسلام مطابق باشد. از این رو اگر برده‌ای آفاقی که وظیفه‌اش حج تمتع است، پس از احرام به حج قران و افراد در عرفات آزاد گردد، باید به حج تمتع عدول کند و در غیر این صورت حجش از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.^{۱۴}

۹. الخلاف، ج ۲، ص ۳۸۰؛ جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۵۸.

۱۰. جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۶۰.

۱۱. الکافی فی فقه، ج ۱، ص ۴۶۸.

۱۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۱۴۷؛ المحاسن، ص ۶۶.

۱۳. ریاض المسائل، ج ۶، ص ۱۹؛ جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۶۰.

۱۴. الدروس الشرعية، ج ۱، ص ۳۰۸.

سنت^۱، آزادی و حریت از شرایط وجوب حج است و حجة الاسلام بر بردگان واجب نیست. مستند آنان در این باره، افزون بر اجماع، روایاتی^۲ است که بردگان را از انجام حج معاف کرده است.^۳

فقهای امامی بر آنند به حج رفتن مملوک، با اجازه مولی، جایز، بلکه مستحب است؛^۴ هر چند از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.^۵ البته به تصریح آنان^۶ و نیز شافعیان^۷ و حنفیان^۸، انعقاد احرام مملوک و صحت آن، بستگی به اجازه مالک دارد تا آن‌جا که مولا می‌تواند احرام بدون اذن مملوک خود را فسخ نماید و در صورت اذن به بنده هم، تا پیش از احرام او، حق رجوع دارد. مهم‌ترین دلیل در این باره، افزون بر آیه ۷۵ نحل/۱۶، اجماع

۱. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۴۴.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۶.

۳. براهین الحج للفقهاء و الحجج، ص ۶۹؛ کتاب الحج، قمی، ج ۱، ص ۶۹.

۴. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۳؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۴.

۵. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۴؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۸؛ کتاب الحج، انصاری، ص ۸۹.

۶. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۵؛ الدروس الشرعية، ج ۱، ص ۳۰۸.

۷. الفقه الاسلامی وادلتہ، ج ۳، ص ۴۱۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۳-۴۷.

۸. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۱؛ الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۶۴.

به نظر شافعی هم اگر بنده در موقف و پیش از فوت وقت آزاد شود و قبل از طلوع فجر به عرفات برگردد و نیت وقوف کند، حجش از حجة الاسلام مجزی است؛ و گرنه کفایت نمی‌کند.^۱ اما در فقه حنفی، اگر عبد پیش از مشعر آزاد شود و نیت را تجدید کند، حتی در صورت داشتن زاد و راحله، جای حجة الاسلام را نمی‌گیرد؛ زیرا احرام اول وی برجاست و احرام دوم باطل است.^۲

به اتفاق فقهای امامی، آزادی و حریت از شرایط وجوب حج و حجة الاسلام از بردگان ساقط است.^۳ مستند آنان در این باره روایاتی است که بردگان را از انجام حج معاف کرده است.^۴ از خبر مسمع استفاده می‌شود، استطاعت، حوزه‌ای فراتر از زاد و راحله دارد و بردگان شرایط استطاعت را دارا نیستند. روایت «لیس علی المملوک حج ولا عمره حتی یعتق»^۵ وجوب حج از برده را برمی‌دارد.

به اتفاق همه علمای امامیه، بردگان با اجازه مولای خود می‌توانند حج بگذارند. ولی این

مناسک از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند؛ چه نص «لیس علی المملوک» اطلاق دارد و صورت اجازه مولای را نیز در برمی‌گیرد.^۶

اطلاق حدیث، همه گونه‌های برده را در خود جای می‌دهد؛ چون حریت از شرایط وجوب حج است و آن کس که بخشی از وی آزاد شده یا سپس آزاد خواهد شد نیز آزادی کامل ندارد و عموماً وجوب حج، وی را در بر نمی‌گیرد؛ چه مملوک از جهت زاد و راحله مستطیع باشد یا مالک، هزینه حج را به وی بخشیده باشد^۷ و نیز تفاوت نمی‌کند برده مأذون در احرام باشد یا بی‌اجازه مولایش محرم شده باشد.^۸ عمده دلیل بر مجزی نبودن حج مملوک از حجة الاسلام، اجماع^۹ و روایات^{۱۰} واصل است.

برخی فقها، مانند شیخ طوسی گفته‌اند: چون حجة الاسلام بر مملوک واجب نیست، می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود که در پاسخ گفته شده ملازمه میان آن دو وجود

۶. ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۸.

۷. شرح تبصره المتعلمین، ج ۳، ص ۲۹۷.

۸. جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۹۳.

۹. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۴.

۱۰. جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۵۸.

۱۱. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۱۴۱؛ الکافی،

ج ۴، ص ۲۷۸.

۱. الخلاف، ج ۲، ص ۳۷۹؛ تفسیر القرطبی، ج ۲، ص ۳۷۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۵۶.

۲. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۴.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۴۱؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۳.

۴. براهین الحج للفقهاء و الحجج، ص ۶۹.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۶.

▼ آزاد شدن برده پیش از وقوف به

مشعر: اگر مملوک، پیش از وقوف به مشعر، آزاد گردد و شرایط حج واجب را دارا باشد، باید حجة الاسلام به جای آورد و قربانی به عنوان کفاره بر وی واجب نیست.^۹ مأخذ آن، روایات متواتر «مملوک... إِذَا أَدْرَكَ أَحَدَ الْمُؤَقِّفِينَ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ»^{۱۰} است. برخی از مذاهب دیگر اسلامی بر بنده آزاد شده پیش از مشعر، واجب می‌دانند که به عنوان کفاره قربانی کند. به اجماع فقهای امامی^{۱۱}، در صورت آزاد شدن بنده پیش از مشعر بر وی واجب است در صورت توانایی، حج به جا آورد و به استناد روایات^{۱۲}، این حج از حجة الاسلام او کفایت می‌کند.

گفته شده در ک وقوف اضطراری مشعر و در ک اضطراری عرفه نیز کافی است و افزوده شده است، در اجزای عمره اول، برای تمامیت حج، محل تأمل است و احوط آن است که در ماه‌های حج، عمره را پس از انجام اعمال حج، به قصد انجام وظیفه، اعاده کند. در صورت نبود فرصت در سال آینده، عمره را

ندارد و در ورود مکه اذن در احرام نیست و عمومات احرام، بردگان را نیز در برمی‌گیرد.^۱ اگر مملوک بدون اجازه مولا محرم شد، ولی وی می‌تواند آن را اجازه یا فسخ نماید و اگر مولی به برده خود اجازه داد حج بگزارد، تنها پیش از احرام او حق فسخ دارد و در این فرض، اگر بنده عصبیاناً وارد مناسک گردد، عملش باطل است.^۲ اما پس از احرام، مولی نمی‌تواند آن را فسخ کند و برده باید اعمال حج را ادامه دهد.^۳

در صورتی که مولا قبل از شروع به اعمال حج از اذن خود برگردد و برده از آن بی‌اطلاع باشد، برخی به دلیل احادیث^۴، قائل به صحت احرام برده هستند^۵ و برخی به دلیل این که اختیار برده، در آغاز و پایان کار، دست مولاست^۶، قائل به جواز نقض احرام برده از سوی مولا شده‌اند.^۷ اگر رجوع مولی از اذن، قبل از تلبس به عمل بود، ولی برده بدان آگاه نبود، احرامش درست است.^۸

۱. مصباح الهدی، ج ۱۲، ص ۲۱۳.

۲. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۵؛ الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۳۰۸.

۳. تحریر الاحکام الشرعیة، ص ۹۰.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۳۲.

۵. جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۶۶؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۵.

۶. تعالیق مبسوطه، ج ۸، ص ۶۵.

۷. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۳۰۸.

۸. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۷.

۹. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۴.

۱۰. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۳۲.

۱۱. ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۹؛ جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۶۰.

۱۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۱۴۷؛

المحاسن، ص ۶۶.

دوباره انجام دهد.^۱

برخی از معاصران، درک و قوف عرفه بدون درک و قوف مشعر را نیز در صحت حج وی کافی می‌دانند؛ چراکه اطلاق نص، درک یکی از دو موقف است.^۲

اگر مملوک بعد از وقوف و پیش از فوت وقت آزاد شد، در صورت امکان به عرفات یا مشعر برمی‌گردد و این حج، از حجة الاسلام کفایت می‌کند و در صورت برنگشتن از حجة الاسلام مجزی نیست.^۳

اگر برده، پس از وقوف و پس از طلوع فجر روز عید آزاد شد بر احرام اول باقی مانده و این حج، جای حج واجب را پر نمی‌کند.^۴ برخی از فقها گفته‌اند: کفایت حج بنده آزاد شده مشروط به استطاعت پیش و پس از آزادی است و در حج تمتع، باید قربانی کند و بدون از سر گرفتن احرام، تنها نیت احرام را تجدید کند.^۵ برخی با توجه به این که رقیب با دارایی قابل جمع نیست، گفته‌اند در مورد عبد نیازی به استطاعت مالیه نیست و تنها استطاعت بدنی کفایت می‌کند و اطلاق نصوص، مؤید

بی‌نیازی مملوک از استطاعت مالیه است. برخی از فقها گفته‌اند: استطاعت کنونی کفایت می‌کند و واجب است برده آزاد شده مناسک حج را به جای آورد و در صورت سرپیچی حج بر وی مستقر است و باید آن را به جای آورد.^۶ برخی افزوده‌اند: حال چنین برده‌ای، مانند حج بذلی است که جای استطاعت مالی حج گزار را پر می‌کند.^۸

نذر حج از سوی برده، با اذن سرپرست وی، درست است؛ چون حج نذر شده مشروط به زاد و راحله نیست^۹ و اجازه مولی، پس از انعقاد صیغه نذر، نمی‌تواند آن را تصحیح کند؛ چه افزون بر کریمه «عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ»، صحت چنین نذری در روایات نفی شده و «لا»ی نافیه برای نفی جنس است و اگر حمل بر نفی جنس نشود، باید به نزدیک‌ترین مجاز حمل شود که نفی صحت باشد و نذر مملوک، از عموماًت وفای به نذر، تخصیص خورده است.^{۱۰} اگر مملوک با اذن مولی نذر کند به حج برود و زمان آن معلوم باشد، گفته شده مولی نمی‌تواند آن را فسخ کرده و بایستی هزینه زائد بر معمول مملوک را

۱. جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۹۱.

۲. دلیل الناسک، ج ۱، ص ۱۸-۱۹.

۳. الخلاف، ج ۲، ص ۳۷۹.

۴. الخلاف، ج ۲، ص ۳۷۸.

۵. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۳۰۸.

۶. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۴.

۷. ریاض المسائل، ج ۶، ص ۴۱.

۸. جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۶۰.

۹. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۹۳.

۱۰. الروضة البهیة، ج ۳، ص ۳۷-۳۵.

باید برای مملوک مأمور به حج تمتع، قربانی (هدی) کند و در برابر، روایاتی وارد شده که می‌تواند قربانی کرده یا به وی سفارش کند روزه بگیرد.^۶ برخی فقها در جمع بین دو دسته گفته‌اند: روایت اول مربوط به جایی است که مالک تا یوم النفر مملوک را به روزه امر نکرده که به نص روایت، فرصت روزه از دست رفته و بنده باید قربانی کند.^۷

▼ **حج بردگان نزد دیگر مذاهب:** نظر دیگر مذاهب اسلامی نیز مملوک، گرچه توانایی بدنی و مالی داشته باشد، حجة الاسلام از وی ساقط است.^۸ ابوحنیفه، مالک و شافعی بدان تصریح کرده‌اند. به نظر ابوحنیفه، احرام مملوک، در همه گونه‌های آن، از همه انواع حج واجب کفایت نمی‌کند و حج بردگان، گرچه در مکه باشند، مستحبی و تطوع خواهد بود.^۹ خواه آنان با اجازه ولی محرم شده باشند و خواه بدون اجازه، و چنانچه پس از انجام حج به همراه مولی یا پس از احرام، آزاد شود، دوباره باید حج به جای آورد. ولی اگر پیش از احرام در راه آزاد شود، از حجة الاسلام کفایت

بپردازد و اگر زمان نذر مطلق باشد یا برده به نذر معین رفتار نکند، مالک وی می‌تواند از اذن خود برگردد.^۱

هرگاه حج برده مجزی از حجة الاسلام باشد، در صورت تمتع باید قربانی کند؛ وگرنه قربانی لازم نیست.^۲

گفته شده در ضرورت اذن ولی برای حج نذری، تفاوتی میان مملوک قن (برده کامل) و برده مبعوض (نیمه‌آزاد) نیست؛ چه نذر مملوک با حقوق مولای خود منافات دارد و احتمال داده شده که بنده نیمه‌آزاد در بخش آزاد خود بتواند نذر کند به حج برود.^۳ برخی از فقها بر آنند درباره عبد مبعوض، باید به عموماً جواز نذر رجوع کرد؛ چه مملوک شامل برده مبعوض نمی‌شود. پس مخصص، وی را دربر نمی‌گیرد.^۴ معدودی بر آنند مملوک مبعوض، می‌تواند حج مستحبی به جای آورد و نیاز به اذن مالک ندارد.^۵ اما بیشتر فقها اذن مولی برای حج را شامل همه گونه‌های برده می‌دانند.

از برخی روایات استفاده می‌شود، مولی

۱. الدروس الشرعية، ج ۱، ص ۳۰۹.

۲. الخلاف، ج ۲، ص ۳۸۰.

۳. العروة الوثقی، ج ۶، ص ۷۲.

۴. الحج فی الشریعة الاسلامیه، ص ۵۸۳.

۵. جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۹۵.

۶. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۰۱.

۷. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۰۱.

۸. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۳.

۹. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۴۴.

می‌کند.^۱ مستند آن حدیث نبوی «ایما عبد حج ثم اعتق فعلیه حجة الإسلام» است.^۲ برخی حنابله گفته‌اند، در صورت وجود توانایی مالی و بدنی، حجة الاسلام بر بنده نیز مانند افراد دیگر فرض است. دلیل وی اطلاق روایات و جوب حج است که همه مردم، اعم از حر و بنده را در برمی‌گیرد.^۳ ابن حزم در ادامه از چندین نفر از راویان و فقها نقل کرده که حج مملوک، همراه با اجازه مولی، از حجة الاسلام کفایت می‌کند. بدون اجازه جای حجة الاسلام را نمی‌گیرد.^۴ در نظر مذاهب چهارگانه، احرام برده باید با اجازه مولایش انجام گیرد و در صورت اجازه مولی، برده می‌تواند اعمال را به انجام برساند. شافعیان و احناف بر آنند اگر بدون اجازه مولی محرم شود، احرامش درست است و مولی می‌تواند آن را اجازه دهد؛ چه احرام بدون اجازه، با حقوق مولی معارض است و در صورت ندادن اجازه، مملوک در حکم محرم محصور است.^۵ برخی از حنابله بر آنند حج بنده بدون اجازه نیز صحیح است.^۶

در صورت احرام عبد، بدون اجازه مولی، به نظر شافعی مولی حق فسخ آن را ندارد.^۷ ولی به نظر ابوحنیفه، مولی می‌تواند آن را باطل سازد.^۸

در نظر شافعیان و حنبلیان، به دلیل روایت نبوی «الحج عرفه»، اگر برده پیش از وقوف به عرفه آزاد شود، حج وی حجة الاسلام به شمار خواهد آمد.^۹ و اگر پیش از طلوع فجر روز عید آزاد نشد، حجش مستحبی خواهد بود. ابن حزم این فتوی را تنها ویژه حنابله دانسته است.^{۱۰} ولی مالکیان و حنفیان بر آنند آزاد شدن برده در عرفات از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند؛ زیرا برده هنگام احرام آزاد نبوده است.^{۱۱} همه انواع برده در این حکم مساوی هستند.^{۱۲}

به نظر شافعی اگر بنده در موقف و پیش از فوت وقت آزاد شود و قبل از طلوع فجر به عرفات برگردد و نیت وقوف کند، حجش از حجة الاسلام مجزی است؛ و گرنه

۷. الخلاف، ج ۲، ص ۳۸۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۳.
 ۸. الخلاف، ج ۲، ص ۳۸۳؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۱؛ الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۱۹.
 ۹. فقه الاسلامی وادلته، ج ۳، ص ۴۱۱-۴۱۳؛ الحاوی الکبیر، ج ۲، ص ۲۴۴.
 ۱۰. المحلی، ج ۷، ص ۴۳.
 ۱۱. الفقه السلامی وادلته، ج ۳، ص ۴۱۱-۴۱۳.
 ۱۲. الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۱۹.

۱. الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۱۷.
 ۲. منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۶۶-۶۷.
 ۳. المحلی، ج ۷، ص ۴۳.
 ۴. الکافی فی فقه، ج ۱، ص ۴۶۸.
 ۵. الفقه الاسلامی وادلته، ج ۳، ص ۴۱۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۳-۵۷.
 ۶. الکافی فی فقه، ج ۱، ص ۴۶۸.

بنا بر فقه حنبلی، اگر بنده نذر کند حج بگذارد، باید پس از انجام حجة الاسلام بدان وفا کند.^۷

پیروی از فرمان مولی در انجام حج بر بنده واجب است و مشهور فقها، نیابت برده از دیگری را، در صورت اجازه مولا به دلیل عمومات جواز نیابت برای مسلم که برده مسلمان را نیز در برمی گیرد، صحیح دانسته اند و تفاوتی میان اجاره برده برای حج و دیگر کارها قائل نشده اند.^۸ در برابر، برخی بر آنند که چون برده نمی تواند برای خود حجة الاسلام به جای آورد، به طریق اولی صلاحیت نیابت از دیگری را نیز ندارد که مورد مناقشه قرار گرفته است.^۹ برخی دیگر به استناد عمومات اطاعت از مولی قائلند در صورت دستور مولا به بنده برای نیابت، بنده باید اطاعت کند.^{۱۰}

اگر برده پیش از وقوفین حج خود را فاسد کند و آزاد شود، باید افزون بر کفاره (قربانی شتر) حج را تمام و آن را قضا کند و این حج، از حجة الاسلام کفایت می کند. ولی اگر پس از موقوفین آزاد شود حج را تمام و سپس قضا

۷. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۴۲۷.

۸. الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۷۱: العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۲.

۹. نک: مصباح الهدی، ج ۱۲، ص ۲۰۳؛ نک: المعتمد، ج ۲، ص ۲۱.

۱۰. مهذب الاحکام، ج ۱۲، ص ۴۸-۴۸.

کفایت نمی کند.^۱

شافعی، در یکی از اقوال خود، قربانی به عنوان کفاره را بر بنده آزاد شده واجب می داند؛ گرچه برخی آن را واجب نمی دانند.^۲ در فقه حنفی، اگر عبد پیش از مشعر آزاد شود و نیت را تجدید کند، حتی در صورت داشتن زاد و راحله، جای حجة الاسلام را نمی گیرد؛ چه احرام اول وی برجاست و احرام دوم باطل است.^۳

اگر برده، با اجازه مولی، محرم شد و حج خود را فاسد کرد، باید در حال رقیبت آن را قضا کند و نباید به انتظار آزادی بنشیند^۴ و بر مولاست که به او اجازه دهد آن را قضا کند.^۵ برخی فقها قائلند اگر کنیز محرمی فروخته شود، خریدار می تواند وی را از احرام خارج و با وی همبستر شود. برخی دیگر اجازه نداده اند و گفته اند این عقد در ملک دیگری واقع شده و فسخ آن جایز نیست.^۶

۱. الخلاف، ج ۲، ص ۳۷۹؛ تفسیر القرطبی، ج ۲، ص ۳۷۰؛

المجموع، ج ۷، ص ۵۶.

۲. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۴۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۵۹؛ فتح العزیز،

ج ۷، ص ۴۳.

۳. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۲۸۳-۲۸۴.

۴. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۵.

۵. الخلاف، ج ۱، ص ۴۲۵.

۶. الهدایه، ج ۱، ص ۲۰۵.

نماید. ضمن اینکه هیچ یک از اتمام و قضا مجزی از حجة الاسلام نیست و در صورت استطاعت دوباره باید حج انجام دهد اتمام و قضا از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.^۱

اگر برده مأذون، حج خود را پیش از مشعر، به جماع فاسد کند، مانند انسان آزاد باید آن را تمام و قضای آن را به جای آورد. بیشتر فقها به استناد صحیحه حریز بر آنند، مولی به جز کفاره صید باید کفاره بدنه (شتر) را پردازد. نیز مولی باید وسیله قضای حج را برای وی فراهم آورد؛ زیرا قضا عقوبت نیست و مانند انجام حج اول است.^۲ برخی فقهای امامی بر آنند که حج فاسد بنده غیر مأذون، قضا ندارد؛ زیرا احرام وی باطل است و در حج فاسد، بنده مأذون و مولی باید به بنده ای که حج مأذون را فاسد کرده، اجازه دهد آن را جبران کند و بنده، میان فدیة و روزه، مخیر است.^۳ برخی دیگر بر آنند که اگر برده به اجازه مولی شکار کرده یا با اجازه وی محرم شده، باید به جای بنده کفاره دهد.^۴ برخی در این مسئله قائل به تفصیل شده و گفته‌اند که اگر این احرام و نیز ارتکاب محرمات توسط

بنده، با اجازه مولی باشد، بنده باید کفاره پردازد و اگر بدون اجازه وی بوده، باید روزه بگیرد و فدیة ساقط است. اگر مولی فدا را به بنده اش هدیه داد، قربانی می‌کند و اگر بنده پیش از انجام روزه درگذشت، مولی به جایش اطعام می‌کند. مالک در هدیه و قربانی، می‌تواند به جای برده قربانی کند و می‌تواند به وی فرمان دهد روزه بگیرد. ولی نمی‌تواند برده را مجبور به روزه گرفتن کند.^۵ برخی معاصران، به خاطر جمع بین روایات، گفته‌اند کفاره صید را خود بنده مأذون می‌پردازد و کفاره غیر صید را مولای وی؛ مأخذ آن، جمع بین اخبار است.^۶

▼ **کفارات برده در حج:** برخی فقهای امامی قائلند اگر برده، کاری که موجب کفارات (قربانی کردن) است انجام دهد، به دلیل اصل، کفاره نه بر مولایش واجب است و نه بر برده و نیز بنده نمی‌تواند روزه بگیرد و نه قربانی کند؛ زیرا تصرف در مال غیر است. برخی دیگر، کفارات عبدی را که با اجازه مولی محرم شده، بر عهده مولای وی می‌دانند.^۷ در صورت فساد حج توسط بنده، قبل از وقوف به مشعر، کفاره بر عهده مولاست و این حکم

۱. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۶۰.

۲. مستمسک العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۱.

۳. الخلاف، ج ۱، ص ۴۲۵.

۴. المنتعمه، ص ۴۳۹.

۵. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۶.

۶. دلیل الناسک، ج ۱، ص ۱۸-۱۹.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۳۰۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۸۲.

شامل برده آزاد شده بعد از فساد قبل از وقوف به مشعر نیز می‌شود.^۱

در فقه امامی و شافعی، اگر بنده حج خود را فاسد کند و پس از خارج شدن از احرام، آزاد شود و مستطیع باشد، باید اول حجة الاسلام را به جای آورد. سپس حج فاسد شده را قضا کند و اگر ابتدا حج قضا به جا آورد، حج قضای او به حجة الاسلام تبدیل می‌شود.^۲ در دیدگاه شافعیان، اگر برده حج خود را فاسد کند و پیش از عرفه آزاد شود، در صورتی که مناسک انجام شده، صرف نظر از فساد حج، مجزی از حجة الاسلام بوده، باید قضای آن را به جای آورد و اگر مجزی نبوده، قضای حج بر برده واجب نیست.^۳ بر اساس یکی از نظریات شافعی، مولی باید به بنده اجازه بدهد حج فاسد شده را قضا کند و بنا به قول دیگر، مولی حق دارد برده را از قضای حج بازدارد.^۴

به نظر حنابله، بنده اگر در حال احرام جنایاتی انجام دهد، باید به جای آن روزه بگیرد؛ مگر مولی اجازه دهد که قربانی کند و نیز بنده اگر حج خود را فاسد کند، باید آن را

تمام کند و به جای آن روزه بگیرد.^۵ اگر برده‌ای آفاقی که وظیفه‌اش حج تمتع است، پس از احرام به حج قران و افراد، در عرفات، آزاد گردد؛ از دیدگاه بیشتر فقها باید به حج تمتع عدول کند و در غیر این صورت، حجش از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.^۶ اگر برده مأذون، بدون آگاهی از رجوع مولی از اذن، محرم شود، احرامش صحیح است و باید آن را به پایان برساند. برخی این احرام را باطل می‌دانند؛ به این دلیل که صحت احرام مشروط به اذن مالک است و در واقع مأذون نبوده است.^۷

مولی می‌تواند برده محرم خود را بفروشد و در صورت ناآگاهی مشتری به محرم بودن وی، حق دارد معامله را فسخ کند؛ مگر این که به جهت کوتاه بودن مدت احرام، به منافع مشتری زیان نرسد.^۸ همچنین می‌تواند مملوک خود را برای نیابت از حج اجاره، بدهد و این اجاره با آزاد کردن وی، باطل نمی‌شود؛ چون مملوک بدون منفعت کوتاه مدت و دائمی آزاد شده است.^۹ اگر بنده‌ای که با اجازه

۵. الکافی فی فقه، ج ۱، ص ۴۶۸-۴۶۹.

۶. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۳۰۸.

۷. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۶.

۸. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۳۰۸.

۹. کتاب الاجاره، ص ۲۹.

۱. جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۹۴.

۲. الخلاف، ج ۱، ص ۴۲۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۵۳.

۳. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۴۹.

۴. الخلاف، ج ۱، ص ۴۲۵.

مالك نذر کرده، حج به جا آورد، به ارث يا داد و ستد به ديگرى منتقل شود، بايد بدان وفا کند.^١

◀ منابع

احكام الحج من تحرير الوسيله: محمد فاضل لنكرانى، قم، مهر، ١٤١٥ق؛ الاختيار لتعلييل المختار: عبدالله بن محمود الموصلى (م.٦٨٣ق.)، تعليقات ابودقيقه، قاهره، مطبعة الحلبي، ١٣٦٥ق؛ آراء المراجع فى الحج على ضوء فتاوى الامام الخمينى فى تحرير الوسيله: على افتخارى گلپايگانى، تهران، مشعر، ١٣٨٥ش؛ الاستبصار فيما اختلف من الاخبار: محمد بن حسن الطوسى (٣٨٥-٤٦٠ق.)، به كوشش سيد حسن موسوى الخراسان، تهران، انتشارات دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٣ش؛ استفتائات امام: سيد روح الله خمينى (م.١٣٦٨ش.)، قم، نشر الاسلامى، ١٤٢٢ق؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار: محمد باقر المجلسى (١٠٣٧-١١١٠ق.)، تصحيح محمد باقر بهبودى و سيد ابراهيم ميانجى و سيد محمد مهدى موسوى خراسان، بيروت، دار احياء التراث العربى و مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ق؛ البحر الزاخر الجامع لمذاهب الامصار: احمد بن يحيى المرتضى، صنعاء، دار الحكمة اليمانيه، ١٤٠٩؛ بداية المجتهد و نهاية المقتصد: محمد بن احمد ابن رشد الاندلسى (م.٥٩٥ق.)، تنقيح و تصحيح خالد عطار، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ بدائع

الصنائع فى ترتيب الشرائع: ابوبكر بن مسعود الكاشانى (م.٥٨٧ق.)، باكستان، مكتبة الحبيبيه، ١٤٠٩ق؛ براهين الحج للفقها و الحجج: رضا مدنى كاشانى (م.١٤١٣ق.)، كاشان، مدرسه علميه مدنى كاشانى، ١٤١١ق؛ تبصره الفقهاء: محمد صادقى طهرانى، انتشارات فرهنگ اسلامى، ١٤١٢ق؛ تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الاماميه: حسن بن يوسف حلى (٦٤٨-٧٢٦ق.)، به كوشش ابراهيم بهادري، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق، ١٤٢٠ق؛ تحرير الوسيله: سيد روح الله خمينى (م.١٣٦٨ش.)، نجف، مطبعة الآداب، ١٣٩٠ق؛ تحفة الفقهاء: علاءالدين سمرقندى (م.٥٣٩ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٤ق؛ تذكرة الفقهاء: حسن بن يوسف حلى (٦٤٨-٧٢٦ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٤-١٤٢٣ق؛ ترمينولوژى حقوق: محمد جعفر جعفرى لنگرودى، تهران، گنج دانش، ١٣٧٨؛ تعاليف مبسوطه على العروة الوثقى: محمد كاظم يزدى، محمد اسحاق الفياض، قم، محلاتى، بى تا؛ تفسير القرطبى (الجامع لاحكام القرآن): محمد بن احمد القرطبى (م.٦٧١ق.)، تصحيح عبدالعليم البردونى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ق؛ تهذيب الاحكام فى شرح المقنعة للشيخ المفيد: محمد بن حسن الطوسى (٣٨٥-٤٦٠ق.)، به كوشش سيد حسن موسوى خراسان و على آخوندى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ش؛ توضيح المناسك: سيد محمد محسن مرتضوى لنگرودى، قم، دفتر آيت الله لنگرودى، ١٤٢٣ق؛ جامع المدارك فى

١. العروة الوثقى، ج ٥، ص ٤٩٥.

المسائل: محمد اسحاق فياض كابل، قم، مجلسي، ۱۴۲۶ق؛ **الروضة البهية في شرح اللمعة دمشقيه:** زين الدين عاملي (م. ۹۶۶ق.)، شارح كلانتر، قم، مكتبة الداوري، ۱۴۱۰ق؛ **رياض المسائل في بيان احكام الشرع بالدلائل:** سيد علي طباطبائي (م. ۱۲۳۱ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۲ق؛ **زبد البيان في احكام القرآن:** مقدس اردبيلي احمد بن محمد (م. ۹۹۳ق.)، به كوشش محمد باقر بهبودي، تهران، مكتبته المرتضويه لاحياء الاثار الجعفريه، ۱۳۸۶ش؛ **سلسلة الينابيع الفقيهيه:** علي اصغر مرواريد، بيروت، فقه الشيعه، ۱۴۱۰ق؛ **سيرى كامل در خارج فقه معاصر:** درس خارج فقه آيت الله فاضل لنكراني، تقرير محمد دادستان، قم، فيضيه، ۱۳۸۶ش؛ **شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام:** جعفر بن حسن محقق حلي (۶۰۲-۶۷۶ق.)، به كوشش سيد صادق شيرازي، تهران، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ق؛ **شرح تبصره المتعلمين:** آقا ضياء عراقى (۱۲۴۰-۱۳۲۱ق.)، تحقيق محمد الحسنون، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۴ق؛ **العروة الوثقى:** سيد محمد كاظم طباطبائي يزدي (۱۲۴۷-۱۳۳۷ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۲۰ق؛ **العناوين الفقيهيه:** الحسيني المراغى (م. ۱۲۵۰ق.)، قم، نشر الاسلامي، ۱۴۱۸ق؛ **العين (ترتيب العين):** خليل بن احمد الفراهيدي (م. ۱۷۰ق.)، به كوشش مهدي مخزومي و ابراهيم سامرائي، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۰۵ق؛ **غاية الآمال في شرح كتاب المكاسب:** محمد حسن بن الملا مامقاني (م. ۱۳۲۳ق.)، قم، مجمع ذخائر

شرح المختصر النافع: سيد احمد الخوانساري (م. ۱۴۰۵ق.)، به كوشش علي اكبر غفاري، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۴۰۵ق؛ **جامع المسائل:** محمد تقى بهجت، قم، شفق، ۱۴۲۶ق؛ **جامع عباسي:** شيخ بهاء الدين عاملي (م. ۱۰۳۱ق.)، مصحح محلاتي، مؤسسه النشر الاسلامي، ۱۴۲۹ق؛ **جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام:** محمد حسين نجفي (۱۲۰۰-۱۲۶۶ق.)، تحقيق عباس قوجاني، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا؛ **الحاوي الكبير في فقه مذهب الامام الشافعي:** علي بن محمد الماوردى (م. ۴۵۰ق.)، به كوشش علي محمد معوض و عادل احمد الموجود، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۴ق؛ **الحج في الشريعة الاسلامية الغراء:** جعفر سبحاني، قم، الامام الصادق عليه السلام، ۱۴۲۴ق؛ **حدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة:** يوسف بن احمد البحراني (م. ۱۱۸۶ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۵ق؛ **الحيوان،** جاحظ (م. ۲۵۵ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۴ق؛ **الخلاص في الاحكام:** محمد بن حسن الطوسي (۳۸۵-۴۶۰ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۷ق؛ **الدروس الشرعيه في فقه الاماميه:** محمد بن مكى (م. ۷۸۶ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۲ق؛ **دليل الناسك:** سيد محسن طباطبائي حكيم (م. ۱۳۹۰ق.)، محقق قاضي طباطبائي، نجف، دار الحكمه، ۱۴۱۶ق؛ **دوره مقدماتي حقوق مدني:** سيد حسين صفائي، ميزان، ۱۳۹۰ش؛ **ذخيرة المعاد في شرح الارشاد:** محمد باقر سبزواري (م. ۱۰۹۰ق.)، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۲۷ق؛ **رساله توضيح**

١٤٠٩ق؛ المبسوط في فقه الامامية: محمد بن حسن الطوسي (٣٨٥-٤٦٠ق.)، به كوشش محمدباقر بهبودی و سيد محمدتقی كشفى، تهران، مكتبة المرتضوية، ١٣٥١ش؛ مجمع البحرين: فخرالدين بن محمد الطريحي (م.١٠٨٥ق.)، تهران، مرتضوى، ١٣٦٢ق؛ المجموع شرح المهذب: يحيى بن شرف النووي (٦٣١-٦٧٦ق.)، بيروت، دار الفكر؛ المحاسن: احمد بن محمد بن خالد البرقي (م.٢٧٤ق.)، به كوشش سيد جلال الدين محدث ارموى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٢٦ش؛ المحلى بالآثار: على بن احمد بن حزم (٣٨٤-٤٥٦ق.)، به كوشش احمد شاكرا، بيروت، دار الجليل؛ مدارك الاحكام في شرح شرائع الاسلام: سيد محمد بن على موسى عاملی (٩٥٦ - ١٠٠٩ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٠ق؛ مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام: زين الدين بن على، شهيد ثانی (٩١١-٩٦٦ق.)، قم، انتشارات معارف اسلامي، ١٤١٦ق؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: حسين نوري (م.١٣٢٠ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤٠٨ق؛ المستدرک على الصحيحين: محمد بن عبدالله الحكام النيسابوري (م.٤٠٥ق.)، به كوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١١ق؛ مستمسك العروة الوثقى: سيد محسن حكيم (م.١٣٩٠ق.)، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله العظمى مرعشى نجفى، ١٤٠٤ق؛ مستند الشيعة في احكام الشريعة: احمد بن محمد مهدى النراقى (١١٨٥-١٢٤٥ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٥ق؛ المصباح المنير فى

اسلامى، ١٣١٦ق؛ الفتاوى الهندية فى مذهب الامام الاعظم ابى حنيفة النعمان: گروهى از علما زير نظر نظام الدين بلخى، بيروت، دار الفكر، ١٣١٠ق؛ فتح العزيز شرح الوجيز: عبدالكريم رافعى، تحقيق على محمد، بيروت، محمد على بيضون، ١٤١٧؛ فرهنگ المحيط: سيد ابوالحسن فهري، تهران، يادواره كتاب، ١٣٨٠ش؛ الفقه الاسلاميه و ادلته: وهبه زحيلي، دمشق، دار الفكر، ١٤٠٩ق؛ فقه الامام جعفر الصادق: محمد جواد مغنبيه (م.١٤٠٠ق.)، قم، انصاريان، ١٤٢١ق؛ فقه السنه: السيد سابق، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤٠٧ق؛ الكافي فى فقه امام احمد بن حنبل: عبدالله بن قدامه (م.٦٢٠ق.)، تحقيق شيخ سليم يوسف، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٤ق؛ الكافي: محمد بن يعقوب كلينى (م.٣٢٩ق.)، به كوشش على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ كتاب الحج: سيد حسن طباطبايى قمى، قم، چاپخانه باقرى، ١٤١٥ق؛ كتاب الحج: مرتضى بن محمد دزفولى انصارى (م.١٢٨١ق.)، قم، مجمع الفكر الاسلامى، ١٤٢٥ق؛ كليات نظامى گنجوى: مطابق نسخه وحييد دستگردي، پرويز بابائى، تهران، انتشاراتى نگاه، ١٣٧٢ش؛ كنز العرفان فى فقه القرآن: محمد بن عبدالله المقداد (م.٨٢٦ق.)، به كوشش محمد باقر شريف زاده و محمد باقر بهبودى، تهران، مرتضوى، ١٣٧٣ش؛ لسان العرب: محمد بن مكرم ابن منظور (٦٣٠-٧١١ق.)، قم، انتشارات ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ مباني العروة الوثقى: سيد ابوالقاسم موسى خويى (١٣١٧-١٤١٣ق.)، قم، دار العلم،

امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۶ق؛ مناسک حج (محتشی): محمدرضا محمودی، تهران، مشعر، ۱۴۲۹ق؛ مناسک حج: مطابق فتاوی امام خمینی و دیگر مراجع، تحقیق محمودی، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب: حسن بن یوسف حلی (۶۴۸-۷۲۶ق)، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق؛ المنجد فی اللغه و الاعلام: بیروت، المطبعة الكاثولیکیه، ۱۹۶۰م؛ مهذب الاحكام فی بیان الحلال و الحرام: سید عبدالاعلی السبزواری (م. ۱۴۱۴ق)، قم، مؤسسة المنار، ۱۴۱۳ق؛ موسوعة الامام الخوئی: سید ابوالقاسم موسوی خوئی، قم، احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۸ق؛ نیل الاوطار شرح منتقى الاخبار من الحدیث سید الاخیار: محمد بن علی الشوکانی (م. ۱۲۵۰ق)، تحقیق حسام‌الدین الصیایلی مصر، دار الحدیث، ۱۴۱۳ق؛ الهدایه شرح بداية المبتدی: برهان‌الدین مرغینانی، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق؛ وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه): محمد بن الحسن الحر العاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق)، به کوشش عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ سلسله البنایع الفقهیة: علی اصغر مروارید، بیروت، فقه الشیعه، ۱۴۱۳ق.

سید عباس رضوی



غریب الشرح الكبير للرافعی: احمد بن محمد المقرئ الفيومي (م. ۷۷۰ق)، دار الفكر؛ مصباح الناسک فی شرح المناسک: سید محمد تقی طباطبائی، قم، محلاتی، ۱۴۲۵ق؛ مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی: محمدتقی آملی (م. ۱۳۹۱ق)، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۰ق؛ مصطلحات الفقه: میرزا علی مشکینی، بی‌جا، بی‌تا؛ المعتبر فی شرح المختصر: جعفر بن حسن محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق)، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۳۶۴ش؛ المعتمد فی اصول الفقه: محمد بن علی بن الطیب البصری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق؛ مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج: محمد بن احمد الشربینی (م. ۹۷۷ق)، تحقیق شیخ علی عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰۶-۱۰۹۱ق)، بیروت، دار الکتب العربی؛ مفاتیح الشرائع: محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی (۱۰۰۶-۱۰۹۱ق)، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، بی‌تا؛ المقنع: شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه (۳۱۱-۳۸۱ق)، قم، انتشارات مؤسسة الامام الهادی، ۱۴۱۵ق؛ المقنعه: شیخ مفید محمد بن محمد بن النعمان (۳۳۶-۴۱۳ق)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من لایحضره الفقیه: شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه (۳۱۱-۳۸۱ق)، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق؛ مناسک جامع حج: ناصر مکار شیرازی، مصحح ابوالقاسم علیان نژادی، قم،